

جغرافیای پزشکی، پیوند اخلاقی انسان با محیط زیست

دکتر پژمان اسماعیلی*

گروه جغرافیا، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران

چکیده

زمینه: علم جغرافیا عبارت است از بررسی رابطه متقابل انسان با محیط با شرط حفظ سلامتی محیط زیست. ویژگیهای انسانی، اصولی بر خود حاکم دارد همانگونه که محیط پیرامون نیز چنین است با این تفاوت که اصول حاکم بر محیط پیرامونی جبری و تابعی از اصول خلقت است، ولیکن بر اصول انسانی علاوه بر رفتارهای غریزی و جسمی، قواعدی متکی بر تعقل و تفکر تفوق داشته و حکمفرمایی می‌کند و همین قاعده باعث تمایز انسان با سایر موجودات شده است که عمیقاً از اصول اخلاقی بوده و به فطرت پاک و اندیشه‌های او بازگشت نموده و از آن پیروی می‌کند.

جغرافیا به عنوان یک علم چند وجهی باعث شده تا توجه جغرافیدانها را به ساختمان و روابط متقابل دو سامانه معطوف می‌سازد. سامانه بوم‌شناختی که مردم و محیط‌شان را به هم می‌بینندند و سامانه فضایی که نواحی را ضمن مبالغه پیچیده جریانها به یکدیگر مربوط می‌سازد. بعضی اوقات، دانشمندان زمین را به عنوان خانه انسان مطالعه می‌کنند. تعبیر خانه، دارای بار اخلاقی امنیتی، اجتماعی و محیطی بوده و تعهد انسان را به موضوع افرون می‌سازد. حال تلفیق علم طب که ریشه ای انسانی دارد و بهنوعی خود دارای بار امنیتی، اجتماعی و محیطی بوده و وجود مشترک آن با علم جغرافیا، علت توجه و پرداخت مقاله به مضامین مربوط به آن است.

روش کار: پژوهش به روش کتابخانه‌ای و بهره‌جویی از پایگاه‌های اطلاعاتی و مجلات تخصصی انجام شده است.

نتیجه گیری: در این مقاله ضمن پرداخت به یکی از اصول حاکم بر علم جغرافیا یعنی حفظ سلامتی محیط زیست، سعی شده تا عملکرد انسانی و رفتار اخلاقی حاکم بر محیط را با مصاديق گوناگون بیان نموده و با تأکید بر یکی دیگر از شاخه‌های علم جغرافیا یعنی جغرافیای پزشکی ضمن توجه به ترکیبی بودن آن به عنوان یک حلقة مفقوده، زمینه را برای رابطه منطقی و هدفداری که باید بین انسان با رفتارهای عقلانی و محیط با جبر غریزی برقرار باشد فراهم کرده به جریانی که بستر ساز اصول اخلاقی میان دو قطب است سوق دهد؛ و نیز میین این موضوع باشد که رابطه انسان با محیط زیست با هدف سلامتی هر دو، دقیقاً علمی با اصول و مشخصه‌های اخلاقی است. شاخه مهم جغرافیای پزشکی به عنوان یک حلقة مفقوده به رابطه منطقی که باستی بین اصول اخلاقی انسان با محیط برقرار باشد اشاره می‌کند و به این نکته می‌پردازد که جغرافیای پزشکی با معرفی سلامت محیط و رابطه انسان به صورت عقلایی با محیط، دقیقاً علمی با مشخصه‌های اخلاقی است.

کلید واژه‌ها: جغرافیای پزشکی، محیط زیست، اخلاق جغرافیایی

سرآغاز

کره زمین بر اساس اصول و قواعد متکی بر حکمت الهی پدیدار گشته و در آیات کتب مقدس ادیان متفاوت از جمله قرآن کریم و روایات و نظریه‌های گوناگون اندیشمندان با استدلالهای

جغرافیا علمی است که سابقه طولانی با قدمت خلقت زمین و حضور انسان در این کره خاکی دارد.

* نویسنده مسؤول: نشانی الکترونیکی: dresmaeilimedicalgeography@yahoo.com

بیابانهای لوت ایران و در بعضی فلات‌های مرتفع به علت محدود بودن رویش گیاهی، خاک در سطح وسیعی وجود ندارد و بدیهی است که در قطب جنوب به لحاظ خیلی سرد بودن هوا و در سطح صخره‌های پرشیب نیز خاک وجود ندارد. (۲)

براساس جریان شکل گیری محیط زمین عملاً محیط، زمانی شرایط پیدایش موجودات را به دست آورد که آب به عنوان یک عنصر حیاتی برای تمامی موجودات پدید آمد. که اگر پس از آن عوامل طبیعی و اقلیمی را نیز بدان اضافه نماییم قوانین طبیعت برای ورود موجودی که به سبب قوه تعلق، برتر از سایر موجودات است، زمینه را فراهم آورد، و بدین‌سبب خالق نیز بر خویشتن تحسین نمود و این به تعبیری مقدمه هبوط انسان است که به لحاظ فلسفی مسأله‌ای اخلاقی بوده که تحت حکم خدای متعال است. (۳)

در اصول طبیعی و موجودیت کره زمین عوامل گوناگونی دخیل هستند که از تأثیر گذاری نور خورشید گرفته تا اجرام آسمانی همانند ماه تا چرخه آب و پیدایش بادها و حرکت ابرها و رویش گیاهان تا تشکیل تجمعات حیوانی همگی مقدماتی برای ظهرور انسان و بهره مندی آن است. به همین منظور در اینجا لازم است تا به نظریه زیست منطقه نگاهی بیفکنیم. براساس این نظریه، زیست منطقه، سطح جغرافیایی قابل تمیزی است که شامل نظامهای زندگی به هم پیوسته و خود نگهداری بوده و در نتیجه روابطی انداموار بین تمامی اعضای منطقه وجود دارد. براساس این نظریه که از اواسط دهه ۱۹۸۰ م. و عمده‌تاً در آمریکای شمالی شکل گرفت، بشر جزئی از محیط خود یا نظام زیست است. این نظام زیست شامل اجزای زیر است: ۱- محیط فیزیکی (آب، هوا، اتمسفر و ...) ۲- خاک، به عنوان جوهر جداگانه ۳- آب ۴- پوشش گیاهی ۵- پوشش جانوری منطقه، شامل حیوانات و مجموعه آنها، بشر و جامعه او. (۴)

بر اساس نظریه باستانشناسان معاصر یکی از دلایل پیدایش تجمعات انسانی از جمله مرکز روسیای و شهری را تخاصم و سلطه طلبی دانسته اند اما اخیراً بر اساس کاوش‌هایی که در مصر صورت پذیرفته و آنچه از دل طبیعت به دست آمده آنان را بر این عقیده داشته تا علت پیدایش شهرها و تجمع انسانی را صلح و

متفاوت مورد بحث و مناقشه بوده است. چنان که خدای متعال در قرآن کریم (۱) می‌فرماید: «اوست که زمین را بگسترد و در آن کوهها و رودها قرار داد و از هر میوه جفت جفت پدیدار آورد و شب را در روز می‌پوشاند. در اینها عبرتها است برای مردمی که می‌اندیشند» (سوره رعد -۳) و در جایی دیگر می‌فرماید: «خداست که آسمانها و زمین را و آنچه میان آنهاست در شش روز بیافرید و آنگاه به عرش پرداخت. شما را جز او کارساز و شفیعی نیست آیا پند نمی‌گیرید.» (سجده -۴) به هر صورت این اصل کاملاً واضح است که قبل از خلقت انسان محیط طبیعی زمین مهیا و آماده حضور موجودات زنده و از جمله انسان شده است. برای مثال خاک، یک پدیده طبیعی است که عموماً در همه جا و در همه نوع شرایط آب و هوایی می‌تواند وجود داشته باشد و باز شرط اولیه حاصلخیزی کلیه مناطق و در نتیجه یکی از شرایط مهم پیدایش حیات و تمدن مادی بر روی کره زمین است؛ و بررسی دقیق این پدیده طبیعی که در زندگی هر موجود زنده نقش مهمی را ایفا می‌کند از نظرگاه علم جغرافیا نیز لازم و ضروری است. (۲) محیط، جزء لاینفک علم جغرافیاست چرا که بر اساس بیان علمای جغرافیا، مفهوم جغرافی عبارت است از رابطه متقابل انسان و محیط و این دو لازم و ملزم یکدیگرند. محیط به صورت عام یعنی هر آنچه که در پیرامون انسان شکل یافته است که از نظام هستی (منظومه شمسی) تا ژرفای ماریان - با عمق ۱۱ کیلومتری در سواحل فیلیپین - حضور و تأثیر خود را به نمایش می‌گذارد. محیط با تمام اجزایش شامل نباتات، موجودات، حیوانات به عنوان عوامل زنده و اقلیم، و ریخت‌شناسی اعم از هوا، آب و هوا، خاک و لایه‌های تشکیل دهنده زمین و آب همگی اجزاء مشکله زمین و محیط پیرامونی می‌باشند. در اینجا سوالی پیش می‌آید که آیا در سطح کره زمین شرایطی وجود دارد که تحت تاثیر آن شرایط خاک به وجود نیاید؟

اگر نظری به مناطق مختلف کره زمین بیفکنیم می‌بینیم که تقریباً هر جا که پوشش گیاهی وجود دارد خاک هم هست. فقط در مناطق کویری که خاک خیلی شور است و در دشت‌هایی با ماسه روان در مناطق بسیار خشک مثل صحرای آفریقا و

محیط طبیعی است. پیوند و وابستگی میان ویژگیهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی هر جامعه، یا مکان زندگی که آثار و تلاش‌های زندگی در آن زمینه‌ای مساعد می‌یابد، اساس علم جغرافیا را تشکیل می‌دهد.^(۶)

جغرافیدانان سه کلمه «فضا»، «موقعیت» و «مکان» را فراوان به کار می‌برند این کلمات در زبان روزمره نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند که لازم است توضیحی درباره آنان داده شود.

فضا به معنای حوزه یا ناحیه‌ای بزرگ است و معمولاً بر حسب سطح زمین نشان داده می‌شود. موقعیت به معنای جای خاص در درون فضا بوده و معمولاً محلی است در سطح زمین و بیشتر معنای مجرد دارد. و مکان نیز جای خاصی است در سطح زمین ولی بر عکس اصطلاح موقعیت مفهوم مجرد ندارد، بلکه محدودیتی است با هویت و

قابل شناسایی که ارزش‌های ویژه و معینی با خود دارد^(۷). ذکر این مفاهیم به این واسطه دارای ارزش و اهمیت است که انسان به عنوان موضوع مورد بحث، تاثیر گوناگونی بر این مفاهیم داشته و همچنین عنایین فوق نیز متقابلاً بر انسان تأثیر مختلفی می‌گذارد.

اگر به مفاهیم و نظریات فوق دو مبحث دیگر یکی تأثیرات عوامل اقلیمی و دیگری جغرافیای پژوهشکی را اضافه نماییم در خواهیم یافت که زیربنای پرداخت به مسائل اخلاقی، رعایت اصول فردی در محیط زندگی خواهد بود. برای مثال بر اساس نظریه السورث هانتینگتن تأثیرات عوامل آب و هوای فعالیتهای انسانی، قاطع و تعیین کننده است تا آنجا که بین تغییرات آب و هوای حمله اقوام وحشی، ترقی و پیشرفت ملتها، فعالیتهای فکری و تمدن‌های انسانی روابط بسیار عمیقی وجود دارد.^(۸)

بر اساس نظریه فوق، انسانها با توجه به شرایط محیطی، خلق و خو و عادات خویش را تنظیم و بدان عمل می‌نمایند؛ به همین سبب استعدادهای محیطی در نوع تعلق و گرایش و حرکت انسانها بسیار تأثیرگذار می‌باشد تا جایی که مکتب خاصی به نام مکتب چشم انداز در جغرافیا پدید می‌آید تا استفاده

آرامش بیان کنند که این نظریه دقیقاً مفهومی اخلاقی را می‌رساند و این مهم مهیا نخواهد شد مگر در رعایت اصول اخلاقی حاکم بر محیط‌های انسانی و به تعبیری همان فلسفه علم جغرافیا.

مفاهیم و نظریات

جغرافیای آینده شناسی

در ۱۹۴۹ برای اولین بار اوسیپ فلاشیایم، محقق تاریخ، عنوان آینده‌شناسی را به کار گرفت که مراد از آن پیوستگی گذشته، حال و آینده در استدلای وابسته به هم می‌باشد. در حقیقت در آینده‌نگری، وضعی را پیش بینی می‌کنیم که می‌خواهیم در آینده وجود داشته باشد؛ به عبارتی، منتظر آینده نمی‌نشینیم بلکه می‌کوشیم آینده را از پیش بسازیم. عده ای از جغرافیدانان، آینده نگری را عینیت بخشیدن به مناسبات مشترک و وابسته به هم میان گذشته، حال و آینده تعریف نموده اند. شاید میان مفهوم پیش بینی و آینده نگری تقابلی نباشد. درست‌تر است که بگوئیم دو نحوه پیش بینی وجود دارد یکی بر این فرض استوار است که آینده ادامه گذشته است و دیگری می‌کوشد تا آینده را چون سرزمینی ناشناخته کشف کند. یکی آینده را دنباله گذشته می‌داند و دیگری بر این است که با ادامه گذشته نمی‌توان آینده را شناخت. در حقیقت در آینده نگری فقط آن چیزی نیست که دراندیشه ما امکان وقوع دارد بلکه آن چیزی است که ما خواسته‌ایم و کوشیده‌ایم تا به وقوع پیووندد و به عبارتی دیگر در آینده‌نگری هدف آن است که چگونه آینده را بسازیم نه آن که منتظر آینده بمانیم.^(۹)

بر اساس نظریه بالا، رفتارهای انسانی در ساخت آینده محیط برای بهره برداری از آن بایستی با اصول اخلاقی سازگاری داشته باشد و گرنه منجر به تخریب محیط زیست شده و قطعاً با تعریف اولیه جغرافیا که یکی از عوامل موجود در تعريف آن با شرط حفظ سلامتی محیط زیست است در تضاد خواهد بود و از مسیر اصلی و فلسفی خود جدا می‌ماند.

همچنین باید بدانیم که پدیده‌های جغرافیایی زاییده همه خصیصه‌های فرهنگ انسانی و متأثر از کلیه عوامل و شرایط

بوده و می‌تواند بحرانهای جهانی مضاعفی را به وجود آورد. در اثر مرور زمان و پیشرفت فکری و فناوری و گذر از قرون متفاوت انسانی اعم از قدیم و وسطی که با بداخلالاقی و سلطه‌گری انسانها و تسلط غلط نظام فرهنگی آن زمان مصادف بوده تفکرات غالب انسانی برای بهره برداری از محیط، شرایط را به سمت انقلاب صنعتی و تحولات اجتماعی سوق داد، چرا که اندیشمندانی همچون رابت مالتوس که تفکر بدینانه کلاسیکهای اقتصادی را دنبال می‌کردند از رابطه غیر معقول جمعیت با منابع، اظهار نامیدی داشته و نسخه نامناسبی از جنگها، شیوع بیماریها و امثال‌هم را برای این معضل، تجویز می‌نمودند. اما با پیشرفت اندیشه‌ها و عبور از قرون وسطی و رسیدن به قرون جدید هرچند که جوامع شکل جدیدی از مدنیت به خود گرفتند اما نگرانیها نیز به شکل تازه‌ای خود نمایی نمود و ان سلامت مایحتاج و نیازهای بدیهی انسانها می‌باشد. پس از آن تشکیل هزاران کلوب یونسکویی، NGO و حلقه‌های سبز انسانی از خطراتی که این شیوه باعث به خطر افتادن سلامتی محیط زیست بوده تا در برابر این معضل عظیم که می‌تواند هر کدام از آنها نسل انسانها را نابود سازد ایجاد شد تا این بداخلالاقی با محیط را اصلاح نمایند. اینجاست که از حدود صد سال گذشته علم نوینی که می‌تواند حلقه مفقود بین رابطه سالم انسان با محیط باشد یعنی جغرافیای پژوهشکی پدیدار گشت.^(۸)

جغرافیای پژوهشکی

جغرافیای پژوهشکی عبارت است از اثرگذاری عوامل محیطی (طبیعی و انسانی) بر سامانه زیست‌شناختی بدن انسان و سامانه گیاهان و موجودات زنده اعم از حیوانات و غیره که حتی در مرگ و میر به عنوان عامل اساسی و موثر شناخته می‌شود.^(۹) به طور کلی می‌توان گفت کاربرد و هدف جغرافیای پژوهشکی شناخت تأثیرات عوامل مختلف جغرافیایی در سلامت و بیماری فرد و جامعه، آگاهی به پراکندگی جغرافیایی بیماریها، کشف کانونهای بیماری و علل پیدایش کانونهای تعیین دوره فعالیت سالانه کانونها و یافتن راه حل‌های مناسب جهت بی احتیاط سازی کانونها است.^(۱۰)

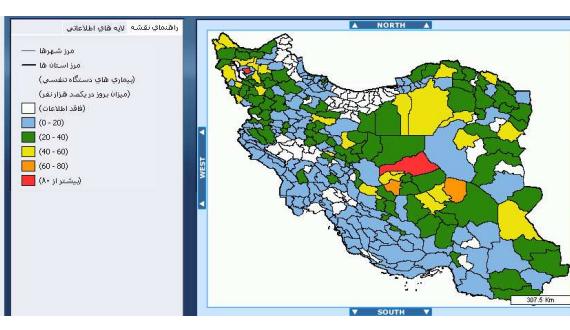
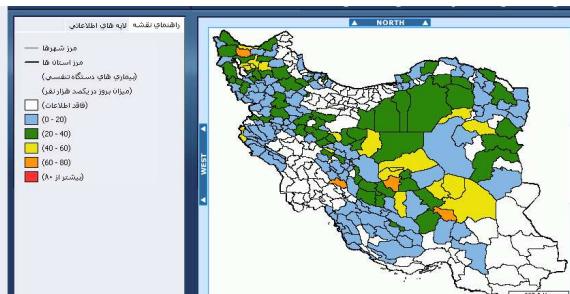
محیطی برای انسانها پدید آید. کارل ساور بر اساس این مکتب معتقد است دو نوع چشم انداز وجود دارد (الف) چشم انداز طبیعی که بدون مداخله انسان به وجود آمده است (ب) چشم انداز فرهنگی که به وسیله انسان سامان یافته است.^(۶)

چنانچه به نظریات جغرافیایی بالا توجه شود این سوال پیش می‌آید که آیا برای حفظ سلامتی محیط زیست بایستی انسانها را از محیط‌های بکر طبیعی دور نگهداشت تا اصول اخلاقی حاکم بر محیط سالم و بدون نقص باقی بماند؟

قبل از پاسخ لازم است تا به تعریفی از حفاظت منابع که حامل بار اخلاقی است اشاره شود. حفاظت منابع عبارت است از برنامه‌ریزی استفاده از منبع به طوری که بیشترین منافع برای بیشترین تعداد افراد در طولانی ترین زمان فراهم شود.^(۷)

سپس باید پاسخ داد که حفظ و نگهداری از منابع طبیعی به مفهوم عدم بهره برداری و دور نگهداشت آنها از دسترس قدیم انسانی نیست هر چند که ثبت وقایع تاریخی از دوران قدیم تاکنون حکایت از بداخلالاقیهای انسانی با محیط زیست دارد لیکن این عنوان به تأکید بر بهره برداری منطقی، علمی و جلوگیری از نابودی و تخریب تدریجی منابع طبیعی و سنجش میزان بهره‌وری آنها اطلاق می‌شود. با بازگشتی کوتاه به نظریه جغرافیای آینده شناسی در خواهیم یافت که محققین آینده شناسی غالباً روی تعادل چهار عامل مهم: جمعیت، انرژی، منابع و آلودگی محیطی تأکید می‌کنند.

رشد جمعیت در سالهای اخیر غیر قابل تصور بوده است؛ منابع انرژی با توجه به شرایط جمعیتی در جهان زمینه‌های انواع تعارضهای انسانی را فراهم ساخته است. منابع موجود در جهان با نیازهای روزمره همخوانی ندارد و آلودگی محیطی در کوچکترین وجه خود نمایشی از پدیده نازک شدن لایه اوزون، تخریب جنگلهای، آب شدن کوههای یخی و از دست رفتن منابع آب شیرین، حکایتهای تلخی از آینده پیش رو دارد که بر اساس مشخصات سه گانه علم جغرافیا که عبارتند از: ۱- تأکید بر عوامل و شرایط مکان ۲- تأکیدات بوم شناختی جغرافیا در مورد روابط انسان و محیط ۳- تحلیل ناحیه‌ای که اگر در آن نگرشهای مکانی و بوم شناختی صورت نگیرد زمینه‌ساز تخاصمهای



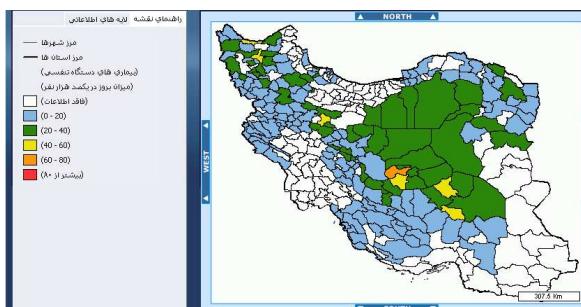
برای مثال نقشه‌های فوق به ما نشان می‌دهد که در طی سالهای ۱۳۸۰ ه ش تا ۱۳۸۲ ه ش در مناطق مختلف ایران بیماری‌های تنفسی که متأثر از محیط می‌باشند بر اساس نحوه بهره‌مندی متفاوت انسانی شرایط متفاوتی را حاکم نموده است که رشد بیماریها را با افزایش نشان می‌دهد و بر اساس آزمون X^2 و ضریب همبستگی کرامر (۹) شرایط موجود در تحقیق نشانگر آن است که هرچقدر زمان به طرف جلو پیشرفت کرده و ساختار محیطی و سکونتی تغییر نموده و عوامل و متغیرهای گوناگون از جمله انسان در آن دخیل بوده، شاهد افزایش بیماریها و پراکندگی آن در محیط‌های سکونتی شده‌ایم.

مینی ماتا، تا ۱۹۵۳ دهکده ماهیگیری کوچک و بی اهمیتی در ساحل ژاپن بود ولی از آن سال به بعد در نتیجه دخالت ناموزون انسان در نظام زیستهای طبیعی در جهان، به بدی اشتهر یافت و نمونه ناحیه‌ای وحشتزا شد. در آن سال، بسیاری از ساکنین ده بر اثر بیماری مرموز سامانه عصبی مردند. بعدها، پس از کشف ترکیب کشنده چیوه-متیل مرکوری در نسوج بدن انسان، این بیماری را به محل آن، مینی ماتا نامیدند که روی هم

از آن زمان که جغرافیا عملاً به طور چشمگیر و مؤثر به کمک پزشکی و بهداشت شتافت هر سه دانش از این همکاری ثمره و توسعه یافتند. جغرافیا بر حسب وظایف ای که دارد بذری دیگر کاشت که حاصلش تولد این رشته نوظهور شد و پزشکی و بهداشت در تحقیقات خود از ثمرات این همکاری به اکتشافات شگرفی در زمینه‌های پیدایی پاسخ مسائل گذشته توجه ویژه نمود. از مهمترین نظریه‌ها می‌توان به دیدگاه مرحوم دکتر احمد مستوفی اشاره داشت که می‌گوید «مناطق مختلف زمین هر یک بر حسب شرایط طبیعی برای دریافت بعضی امراض مناسب هستند و در این نواحی پزشک با شناسایی کامل وضع آب و هوا و پستی و بلندیهای زمین و نوع معیشت مردم می‌تواند محیط نشو و نمای مرض را معلوم دارد».

مطلوب فوق دقیقاً با عملکرد اخلاقی انسان و نوع رابطه ای که با محیط برقرار می‌کند ارتباط مستقیم دارد. برای مثال ملوین هو، که از نظریه پردازان این موضوع می‌باشد می‌گوید: امراض معینی در نواحی خاص جغرافیایی انتشار می‌یابند و از خصایص جغرافیایی تأثیر می‌پذیرند. (۱۰)

نحوه و نوع تسلط انسانی بر زمین و شیوه‌های بهره‌گیری از آن نیاز به معیارهای اخلاقی دارد. «کلوا و اشربوا و لا تسربوا» (قرآن کریم) و همچنین فقر یا غنای طبیعی زمین همانند سوره زارها یا مناطق جلگه‌ای و به‌طور کلی استعدادهای طبیعی منطقه، بر کم و کیف تغذیه، بهداشت، سلامت، نوع بیماری و طول عمر افراد تأثیری عمیق می‌گذارد که اگر به تأثیر مقابل عوامل یاد شده بیندیشیم و چند و چون و چراً ارتباطات را با هم بسنجمیم به مفهوم جغرافیای پزشکی دست یافته‌ایم. (۱۱)



محیط زیست که شرط علم جغرافیا و رابطه انسان با محیط است یاد کرده ایم. به عقیده طرفداران نظریه زیستی، منطقه نظام زیست یک کل است که موجودات زنده در آن روابط متقابل دارند و انسان برخلاف دیگر موجودات می‌تواند بر محدودیتهای محیط فائق شود با وجود، این، هر نظام زیستی ظرفیت معینی در پذیرش انسان و نیازهای آن دارد که این ظرفیت از تراکم پنهان تا حداقل سطح قابل دوام است. (۱۵) اینجاست که پیش‌بینیهای جغرافیایی، خلق محیط زیست شایسته برای سالهای آینده می‌باشد و به عبارت دیگر بیان و نمایش شرایط آینده روی نقشه از مشخصات پیش‌بینیهای جغرافیایی محسوب می‌گردد که پیش‌بینیهای سایر علوم فاقد آن است و این، همان نقطه اتصال جغرافیا با علم اخلاق است.

از گذشته عموماً، علم اخلاق را در رفتار انسانی جستجو کرده‌ایم غافل از آنکه با بهره کشی ناموزون و استعمارگرانه از محیط به نوعی باعث بد اخلاقی با محیط شده‌ایم که تنها استدلال انسان در این‌باره افزایش جمعیت و ضرورت رفع نیازهای آنان بوده است. در صورتی که ما هیچگاه منش اخلاقی طبیعت را جستجو نکرده‌ایم بلکه دوست داشته‌ایم که طبیعت صرفاً در خدمت ما باشد آن هم خدمتی یکسویه.

منش طبیعت

محیط زیست، فیزیکی است. در این اصطلاح، طبیعت به محیطی اطلاق می‌شود که اشیاء بیجان مانند آب، خاک، مسکن، آب و هوا و طبیعت جغرافیایی، گرمای نور، صدا، پرتوها وجود دارد. طبیعت، محیط زیست است که این اصطلاح مجموعه همه عناصر زنده‌ای که محیط انسان را فراگرفته اند از جمله خود انسان، موجودات زنده از ویروسها گرفته تا جانوران را شامل شده و همگی در ارتباط متقابل با یکدیگر می‌باشند. اینجاست که علم جغرافیا به یک اصل اخلاقی توجه ویژه نموده است «رابطه متقابل انسان با محیط به گونه‌ای که محیط زیست کمترین آسیب را ببیند». ولیکن بدون توجه به علم پزشکی موضوع جغرافیا نیز بی‌فایده می‌ماند. (۹)

جغرافیا نقش پیشگیرانه محیطی را توصیه می‌کند، علم پزشکی به رفتارهایی که منجر به پیشگیری از بیماریها می‌باشد

رفته ۹۰۰ نفر در حوالی دهکده از جیوه مسموم شده بودند که ۵۲ نفر مردند و تقریباً دو برابر آنها مفروج باقی ماندند.

وقتی علت بیماری معلوم شد، که منشاء آن جیوه موجود در فضولات یک موسسه عظیم شیمیایی بود معلوم شد که به چهل رود و دریاچه کشور سوئد نیز در ۱۹۶۷ سرایت کرده است.

برای مثال، طی بررسی سال ۱۳۸۹ از تعداد ۴۵۰ نفر از کودکان ۸ تا ۱۸ ساله شهر اصفهان و نمونه برداری از اندیکسهای خونی آنان آشکار شد که هر چقدر این کودکان در معرض آلودگی‌های متفاوت از جمله میزان سرب موجود در هوای استنشاقی محیط زندگی قرار گرفته‌اند رشد ذهنی کمتری داشته، در منش و رفتارهای اخلاقی آنان نیز اثرات منفی خاصی از جمله پرخاشگری وجود دارد. (۱۲)

در یک نظام هدفمند و پایدار که توسعه را برای خویش ترسیم و برنامه ریزی نموده است سه عامل مهم شناخت، برنامه ریزی و مدیریت، نقش ایفا می‌کنند که منجر به حفظ سلامتی و بقاء بیشتر دو عنصر یعنی انسان و محیط طبیعی می‌شود. به همین سبب، توسعه، تعریف جدیدی پیدا می‌کند.

باید بدانیم توسعه همان رشد اقتصادی نیست توسعه جریان چند بعدی است که در خود تجدید سازمان و سمت گیری متفاوت کل نظام اقتصادی – اجتماعی را به همراه دارد. توسعه، علاوه بر بهبود تولید و درآمد شامل دگرگونی اساسی در ساختارهای نهادی، اجتماعی، اداری و همچنین ایستارها و وجه نظرهای عمومی مردم است. توسعه در بسیاری موارد حتی عادات و رسوم و عقاید مردم را نیز در بر می‌گیرد. (۱۳) در یک جمله کوتاه می‌توان توسعه را چنین تعریف نمود: «چشم انداز در حال پیدایش به شرطی که سراب نباشد» (۱۴)

علم جغرافیا به موضوع رابطه متقابل انسان و محیط می‌پردازد و علم پزشکی به حفظ سلامتی و پیشگیری از آسیبهای انسان توجه دارد.

در اینجاست که بر اساس علم آینده شناسی و توجه به تعریف توسعه، انسانها سعی می‌نمایند تا تغییراتی را ایجاد کنند تا منجر به آینده شناسی مطلوب جغرافیایی شود و این همان نکته اخلاقی مورد بحث است که از آن به عنوان حفظ سلامتی

علیه نظمهای طبیعی و انسانی صادر نمایند و این یعنی یک بد اخلاقی پردازش شده و مکتوب و نوین. (۱۶)

اینها گوشهایی کوچک از بداخل اقای با محیط زیست است و اگر به مناطقی که توسط انسان تبدیل به ویرانه‌های محیطی شده اند بنگریم عمق فاجعه بیشتر مشخص خواهد شد.

در همه موارد فوق و سایر عناوینی که ذکر نشد یک مسأله ریشه دار ذهن انسان را به خود مشغول ساخته است و آن حفظ سلامت خویش و محیطی بوده که قصد بهره برداری و تسلط بر آن را دارد.

آنچه امروزه این ضرورت را حساس نموده است صرفاً مسأله چیرگی بر محیط نیست بلکه سلامت محیط برای ماندگاری طولانی‌تر بر آن می‌باشد. یکی از ایزارها در رفع این نگرانی، پیدایش و توجه به علم پژوهشی بوده که به درمان انسانها پرداخته و خیلی سریع در تمامی شئونات زندگی انسانها و جانداران خودنمایی نموده است و لیکن بدون تلقیق با موضوع جغرافیا، رابطه متقابل آن دو با یکدیگر در تفهیم و درمان موضوع ناقص باقی خواهد ماند و اینگونه، ضرورت پیوستگی جغرافیا به پژوهشی یا به عبارتی جغرافیای پژوهشی در حل این معضل اخلاقی یعنی سلامت انسان و محیط زیست او عیان و مشخص خواهد شد. (۱۶)

ما در اینجا سعی می‌کنیم تا با بهره برداری از مکاتب گوناگون جغرافیای کاربردی، و توجه به نظریه ارزیابی محیط زیست و توسعه بررسیهایی را در زمینه توسعه بدون تحریب یا پاسداری از زمین که عملکردی اخلاقی است رقم بزنیم آن هم با معیارهایی همچون جغرافیای پژوهشی، ارزیابی و بازبینی وضع موجود، تحقیق در زمینه اطلاعات تازه، گردآوری آگاهی و مبادله اطلاعات در همه سطوح و در یک کلام جغرافیای پژوهشی را احیاگر محیط زیست بیماری بدانیم که با بداخل اقای انسان روبرو شده است تا سرآغازی باشد برای رفتار اخلاقی مدار با محیط زیست.

توجه و امعان نظر دارد و به همین سبب است که پیشگیری را ارجح از درمان می‌داند. و اینجاست که ظهور و بسط علم تلقیقی و جدید جغرافیای پژوهشی به عنوان یک علم کاملاً اخلاقی در یک رفتار دوسویه انسان با محیط می‌تواند الگوساز و نقش هشدار دهنده مناسبی در جوامع گوناگون باشد و باعث اصلاح و ترمیم بدرفتاریها شود. جغرافیای پژوهشی شاخه جدیدی از موضوع است که فلسفه اخلاقی را فضاسازی نموده تا در آن هم آسیبهای محیطی مورد توجه اخلاقی و پیشگیرانه قرار گیرند و هم به خطراتی که متوجه انسان است واقف شویم. اعتقاد به حفاظت از منابع طبیعی کره زمین موجب مبارزه جدی با تخریب آن می‌شود. در قسمت اعظم خشکی کره زمین، چشم اندازی که اکنون می‌بینیم، طبیعی نیست بلکه بیشتر مصنوع تفکر و دست بشر است. تنها کلاهکهای یخی قطبی، توندرا، بیابانها و مناطق مرتفع کوهستان، اصالتاً چشم انداز طبیعی (وحشی، دست نخورده) باقی مانده اند. (۷)

رابطه مردم با محیط همیشه جغرافیدانان را به پرسش واداشته است که آیا محیط ما را مهار کرده است؟ یا محیط برای پیروزی انسان در میدان زندگی بوده است؟

طبق نظریه داروین و کتاب اصل انواع که در ۱۸۵۹ م. منتشر کرده است مسأله محدودیت منابع و در نتیجه رقابت بین انواع موجودات زنده و اصل بقای انواعی که مقدرت‌تر و بهتر با محیط سازش می‌بیند، مجوزی برای تأیید بدرفتاری با نعمات الهی و اجازه دخل و تصرف بی رویه در آن است. بر همین اساس و اندیشه فردریک راتزل، جغرافیدان آلمانی، در کتاب جغرافی انسانی که ربع قرن پس از داروین منتشر شده است برای موضوع بالا چنین استدلال می‌کند که جمعیت انسان در سطح زمین تنها می‌تواند در محتوای محیط طبیعی تفهیم شود. راتزل به عوامل دافع و جاذب موجب مهاجرتهای عمده و شرایط طبیعی که تمدنها تحت آن شرایط قادر شدند ظهور و توسعه یابند بسیار توجه داشت.

عناوین فوق و صدها موضوع دیگر، انواع مکاتب اقتصادی و سیاسی را پدید آورده است که نظریه‌های نفوذ خویش بر منابع طبیعی را گسترش داده و مجوز بهره برداری را حتی با جنگها

مبانی تعریف گرفته تا مصالح و حتی شرایط فرهنگی می‌تواند نقش مفید و سازنده ای داشته باشد.

ایجاد شناسنامه‌های معنادار در زمینه بافت، جنس و نوع ساختار تشکیل دهنده اقلیم و زمین و خاک هر منطقه و حتی پیشینه شناسنامه‌ای بیماریها در طول دوره‌های گوناگون هر بوم، راهکار دیگری است.

شناخت دقیق و عالمانه از محیط‌ها و بسترها محیطی برای هر برنامه ریزی و مدیریتی ضروری است. یک شناخت معنادار، زمینه را برای حفظ حریمها منطقی‌تر و پیش درآمد مناسبی برای احترام گذاری متقابل و تاثیر بر روند آموزشی و فرهنگی محیط خواهد بود.

تشکیل NGO و مرکز پژوهش‌های مربوطه و آزمایشگاه‌های محلی در زمینه‌های آب، خاک و... و دهها راهکار دیگر همگی می‌توانند زمینه‌های مناسبی برای بهره مندی اخلاقی در حفظ نعمات الهی و سلامت و بهره مندی انسانها با تفاهمی مسالمت آمیز با محیط باشند.

بسیاری از عوامل دیگر می‌توانند شناخت منطقی ما را از محیط پیرامونی خود چهت دستیابی به یک آینده شناسی مناسب فراهم آورده و با برنامه ریزی اصولی و نقش مدیریت اخلاقی که اصول و قواعد خلقت را عاقلانه و خردمندانه رهبری می‌نماید در دستیابی به یک توسعه انسانی یاری رساند.

در پایان ذکر این مطلب ضروری است که تعهد انسان به حفظ سلامت محیط زیست در سایه علم جغرافیای پژوهشی که آینده تمام نمایی در شناخت عالمانه و صحیح و اصولی از محیط است همان پاسداشت از ارزش‌هایی است که در تمامی جوامع و ادیان و گروههای انسانی بدان توجه شده است. زمانی که از محیط یاد می‌کنیم و سعی بر حفظ سلامت آن داریم این محیط شامل تمام اجزایش اعم از محیط موجودات زنده مثل نباتات، جانداران و محیط موجودات غیر زنده مانند خاک و آب می‌باشد که در زندگی و حیات بخشی به سایر موجودات نقش ایفا می‌کنند و هدف از حفظ سلامت، حفظ تمام اجزاء است. حرمت‌گذاری هم رعایت اصول و معیارهای اخلاقی تطبیق داده شده با رفتارهای صحیح انسانی می‌باشند.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

همانطور که در متن نیز آمد یکی از مسائل مهم در هر علمی مدیریت پس از شناخت و برنامه ریزی است به همین سبب پیوستگی دو علم جغرافیا و پژوهشی موقعیت علمی جدیدی را می‌طلبد تا از گسیختگی و جدایی در موضوع بکاهد، چرا که این دو شاخه علمی، مکمل یکدیگر بایستی باشند نه مجزا و تفکیک شده. اگر بخواهیم اخلاق مدار به موضوع محیط و سلامت انسانها توجه کنیم دومین موضوع پس از مورد فوق الذکر، وجود مرکز مدیریت و مطالعات جغرافیایی است که ایجاد کننده شناسنامه‌های محیطی باشد و نیز احیای هدفمند طب محیطی و صنعتی به لحاظ تاثیراتی که صنایع بر محیط‌ها داشته اند و این تحول پس از انقلاب صنعتی رشد روزافزون داشته است.

روند رشد صنایع در جهان محل سکونت انسان همراه با تخریبهای ناخواسته‌ای است که هم انسان و هم محیط پیرامونی آن را متضرر می‌کند، برای مثال آلووگی رود دانوب به عنوان طولانیترین رود اروپا و یا ورود آلووگیهای فاضلاب ۱۸۰۰ کارخانه صنعتی کوچک و بزرگ بر محیط زاینده رود اصفهان، فاجعه‌های زیست محیطی غیرقابل جبرانی را بر انسان و هم محیط سکونتی وی وارد کرده است. هزاران مثال دیگر از این نمونه توجه ویژه ای را بر مراقبت‌های اینگونه صنایع و مهار آنها توسط طب صنعتی و محیطی ایجاد می‌کند.

توسعه و گسترش آموزش‌های مناسب، با موضوع یکی از اصول مهم در هر جریان توسعه‌ای است که اگر این مسأله را با معیارهای بهداشتی توأمان کنیم مفهوم مناسبتری از توسعه رقم زده‌ایم. پرداختن به این موضوع مستلزم آموزش همگانی و ابتدایی تا سطوح عالی و دانشگاهی داشت.

- اصلاح الگوهای سکونتی با توجه به بافت هر منطقه، راهکار دیگر است. تغییر معماری و الگوی سکونتی غیرهمگون باعث گردیده تا برهم زدن تناسب فیزیکی و محیطی، ساختارهای همگرا را با شرایط نامانوس تغییر دهیم و این خود سرآغازی برای آسیب زدن به نظام انسانی و طبیعی توأمان است. نتیجه آنکه، بازنگری مجددی به الگوهای سکونتی از

۵- شکویی، حسین. جغرافیای کاربردی و مکتیهای جغرافیایی، آستان

قدس ۱۳۶۴

۶- شکویی، حسین. فلسفه جغرافیا، آستان قدس ۱۳۶۴

۷- پیترهاگت، گودرزی نژاد. جغرافیا ترکیبی نو، سمت، ۱۳۸۶

۸- مهندسین مشاور DHV از هلند، رهنمودهای برای برنامه ریزی مراکز روستایی، سمت، ۱۳۸۵

۹- اسماعیلی، پژمان. جغرافیای پژوهشی اصلاح و استقرار سکونتگاه های انسانی، جهاد دانشگاهی اصفهان، ۱۳۸۹

۱۰- هوشمند، زردشت. مقدمه ای بر جغرافیای پژوهشی، جهاد دانشگاهی اصفهان، ۱۳۶۴

۱۱- گنجی، محمدحسن، جغرافیا در ایران از دارالفنون تا انقلاب اسلامی، به نشر (آستان قدس رضوی) ۱۳۸۰

۱۲- دکتر امینی، بیماریهای کودکان، ۱۳۸۹، دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد

۱۳- ازکیا، مصطفی. مقدمه ای بر جامعه شناسی توسعه روستایی، سمت، ۱۳۸۶

۱۴- اسماعیلی، پژمان، روستاهای مدنی، مقاله، نجف آباد، ۱۳۹۰

۱۵- پاپلی یزدی، ابراهیمی. نظریه های توسعه روستایی، سمت، ۱۳۸۶

۱۶- اسماعیلی، مشیری، Applied science (Medical) ۲۰۱۱، Anthony, Geography, 2010

واژه‌نامه

Behavior geography	جغرافیای رفتار
Solar system	منظومه شمسی
climate	اقلیم، آب و هوا
morphology	ریخت شناسی
providence	آینده شناسی
scenery academy	مکتب چشم انداز
Natural resources	منابع طبیعی
Environmental pollution	آلودگی محیطی
Development	توسعه
settlement	ساکن شدن
Bioregionalism	زیست منطقه
Economic growth	رشد اقتصادی

منابع

۱- قرآن کریم

۲- کردوانی، پرویز، جغرافیای خاک ها، دانشگاه تهران، ۱۳۸۵

۳- بدوفر، منصور. مجموعه مباحث، سمت، ۱۳۸۰

۴- معصومی اشکوری، سیدحسن، اصول و مبانی برنامه ریزی منطقه‌ای، پیام، ۱۳۸۵